

به نام ایزد دانا

کاربرگ شماره ی ج- چهارده



دانشگاه هنر اصفهان

مدیر تحصیلات تکمیلی

کاربرگ چکیده‌ی فارسی رساله دکتری

عنوان رساله: تبیین زمینه‌های اجتماعی نقاشی‌های ترکیبی صفوی بر اساس نظریه بازتاب

چکیده:

نقاشی‌های ترکیبی صفوی دسته‌ای از آثار نقاشی دوران صفویه به شمار می‌آیند که عمدتاً به صورت تک‌برگ بر جای مانده‌اند و بسیاری از پژوهشگران به وفور آن‌ها در سده‌های ۱۰ و ۱۱ ه. ق/ ۱۶ و ۱۷ م. در دوران حاکمیت صفویان اذعان داشته‌اند. این آثار دارای یک یا چند پیکره بزرگ‌تر در بخش مرکزی ترکیب‌بندی خود هستند که یکی از آن‌ها کاملاً با پیکره‌های متنوع کوچک‌تر اعم از انسان، حیوان و موجودات خیالی چون دیو و فرشته پر شده است.

آثار یادشده که تصویرگری آن‌ها در ایران در بازه‌های زمانی مختلف با تغییرات مضامین، رکود و گاه با توقف مواجه است، دارای نمونه‌های مشابهی به صورت همزمان در هند و ایتالیا هستند و گرچه نمونه‌های مشابه همچون آثار ایتالیایی مطالعات فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، آثار ایرانی کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ به علاوه، در تحقیقات اندک انجام شده نیز بیشتر جنبه‌های فلسفی و عرفانی این آثار مورد توجه قرار گرفته و کمتر به زمینه‌های اجتماعی تصویرگری آن‌ها پرداخته شده است. بر- این اساس، کمبود مطالعات جدی بر روی این نمونه‌ها نه تنها به طور کلی نمایان است بلکه در حوزه جامعه‌شناسانه و در بررسی پیوند آن‌ها با زمینه‌های اجتماعی به شکل بارزتری نیز مشهود است.

نگاه جامعه‌شناسانه به هنر عمدتاً آثار هنری را با سه رویکرد کلی مورد بررسی قرار می‌دهد: در سویه اول با عنوان کلی نظریه بازتاب، انعکاس جامعه در آثار هنری مورد تأکید است؛ در سویه دوم تأثیرات هنر بر جامعه با عنوان رویکرد شکل‌دهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در سومین رویکرد هنر و جامعه دارای ارتباطی تعاملی هستند. پژوهش حاضر با برگزیدن نظریه بازتاب مبنی بر انعکاس جامعه در آثار هنری سعی در بررسی چستی محتوای این آثار (منظور محتوای مرتبط با زمینه‌های اجتماعی است)، تغییرات مضامین آن‌ها در دوران حاکمیت صفویان و چگونگی بازتاب جامعه صفوی و تفاسیر اجتماعی مرتبط با آن در این نمونه‌ها دارد. در این راستا و در جهت پاسخگویی به سؤالات یادشده در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی و مراحل کلی و سه گانه آن شامل آمادگی، سازمان‌دهی و تجزیه نتایج به همراه استفاده از نشانه‌شناسی در مرحله کدگذاری واحدهای تحلیل، استفاده شده است. برای این منظور، با ارائه طرح دقیق تحلیل محتوا و تعیین واحدهای نمونه‌گیری، تحلیل، زمینه‌ای و فیزیکی، واحدهای تحلیل مورد بررسی نشانه‌شناسانه قرار گرفته و در ادامه به استخراج کدها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی اقدام شده است.

تعیین هویت افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی انعکاس یافته از جامعه صفوی به همراه برخی کنش‌ها، حالات، آیین‌ها و جایگاه آنان در نقاشی‌های ترکیبی، رفع برخی ابهامات موجود درباره پیکره‌های موجود در این آثار (مانند تصویرگری از افراد، گروه‌ها و عناصر مرتبط با جامعه صفوی و نه هندی)، تعیین واسطه‌هایی (چون زمینه تولید، حامی و هنرمند) در انتقال و انعکاس برخی گروه‌های اجتماع صفوی و حذف برخی دیگر در این آثار، گروه‌بندی نقاشی‌های ترکیبی صفوی بر اساس شباهت‌ها، بازه زمانی تصویرگری و کدهای استخراج شده در هفت گروه و تعیین مضامین اصلی مرتبط با هر گروه به صورت جداگانه شامل انعکاس حاکمیت یکپارچه و متمرکز صفویان، تمثیل "حاکم همچون رمه‌بان رعایا"، آشوب‌ها و اوضاع نابسامان جامعه از زمان مرگ شاه تهماسب اول تا دوران حاکمیت شاه سلطان محمدخدابنده، حضور، شورش‌ها و نقش قلندران در این دوران، تسلط برخی زنان دربار چون پریخان خانم و مهدعلیا بر اجتماع، علایق طبقه مرفه جدید حامی هنرها، بهبود اوضاع عمومی و اجتماعی در دوران حاکمیت عباس اول در نقاشی‌های ترکیبی صفوی از نتایج این تحقیق به شمار می‌رود. در نهایت، ارائه روند ترسیم ایدئولوژی، تغییرات ترسیم افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی چون قلندران و زنان در بازه زمانی تصویرگری این آثار، رابطه شکل و محتوا در آن‌ها، نقش واسطه‌ها چون طبقه اجتماعی حامی و هنرمند و قراردادهای زیبایی‌شناختی و وقوع برخی کژتاب‌ها چون عدم هماهنگی میان ترسیم زنان در این آثار با حضور آنان در اجتماع صفوی، و یا گروه‌ها و طبقات اجتماعی موجود در جامعه صفوی با گروه‌ها و طبقات ترسیم شده در نقاشی‌های ترکیبی این دوران و نگاه انتقادی به مضامین اصلی این آثار و ترسیم محدودیت‌ها و سرشت ایدئولوژی در آن‌ها از دیگر نتایج این تحقیق است.